

درباره نخستین فرمانده تپ امام رضا (ع) که در عملیات بیت المقدس به شهادت رسید

طلایه‌دار آزادسازی خرمشهر

۲

روایتی از تشرّف کاروان جانبازان کانادین (قطع کامل پا) به حرم مطهر ثامن الحجج (ع)

رشته‌ای برگردنم افکنده دوست...

تکیه زده بر قامت عصا و پا روی صندلی چرخدار به حرم مطهر امام رئوف مشرف شده‌اند. جمعی از خانواده بزرگ جانبازان هستند که از گوشه گوشه کشورمان به عشق پابوسی امام ثامن‌الحجج(ع)، با همه رنج‌های ناشی از جراحات‌های جسمی در کنار خانواده آمده‌اند تا یک بار دیگر به امام و ولی‌نعمت خود عرض ارادت کنند. کاروان جانبازان کانادین (قطع کامل پا) چند روزی است که در قالب اردوی زیارتی و سلامت‌محور از استان‌های مختلف کشور میهمان صحن و سرای ملکوتی حضرت انیس‌النفوس شده‌اند...



علی کریمی رستگار - عکاس رضوی

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۳۴۲ |

موعظه/ آیت‌الله مظاهری

نصیحت‌با زبان نیش‌دار نتیجه منفی دارد

۲



به قلم مظفر سالاری منتشر شد

گوهر شب چراغ؛ روایتی داستانی از زندگی شیخ غلامرضا یزدی

۲

سیدمجتبی حسینی پاسخ داد

«سریع الحساب» بودن خدا به چه معناست؟

۳

مدیر مؤسسه حدّاث‌الحسین (ع):

کم‌کاری برای غدیر، منجر به ارائه نسخه‌های بدلی می‌شود

۲

خبر

لذّت مطالعه در حرم مطهر رضوی

دایر شدن سه پایگاه کتاب‌خوانی برای زائران



طرح توسعه فضای کتاب‌خوانی در حرم مطهر رضوی، با بهره‌برداری از دو پایگاه کتاب‌خوانی در دو رواق حرم مطهر و اجرای یک پروژه دیگر در حال پیگیری است.

به گزارش آستان‌نبوز، معاون تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی با اشاره به اهمیت گسترش فرهنگ مطالعه گفت: در راستای تأکیدات تولید آستان قدس رضوی مبنی بر ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی و عمق‌بخشی به سطح معرفتی زائران و مجاوران، سه ایستگاه مطالعه در رواق‌های حرم مطهر رضوی ایجاد شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین شریعتی‌نژاد ادامه داد: در حال حاضر بیش از ۱۸۰ جلد کتاب در موضوعات دفاع مقدس، تاریخ، انقلاب اسلامی، ادبیات داستانی و... در قفسه‌های ایستگاه مطالعه رواق‌های نجه خاتون و دارالعباده با محوریت کودک، نوجوان و عمومی جانمایی شده است.

وی افزود: برای راهنمایی، مشاوره مطالعاتی، معرفی کتاب و ایجاد زمینه و بستر لازم برای ترویج و توسعه فرهنگ مطالعه، خادمان از ساعت ۸:۳۰ تا نماز مغرب در این ایستگاه‌های مطالعه حضور دارند.

محمد بیات، مدیر نگهداری و بهره‌برداری ساختمان سازمان فنی و نگهداری حرم نیز با بیان اینکه طرح توسعه فضای کتاب‌خوانی در حرم مطهر رضوی از دی ماه سال گذشته در دستور کار این سازمان قرار گرفت، عنوان کرد: در حال حاضر ساخت پایگاه رواق کتاب در هشتی صحن قدس در دست اجراست که تا نیمه خرداد ماه به بهره‌برداری خواهد رسید.

نیمکت زندگی

یک عاشقانه سُر بی



محمد حسین نیکبخت |

در دوران حمله مغولان، طبق مستندات موجود، حرم مطهر و احتمالاً نواحی نزدیک به آن به استثنای نوغان و طوس، از تعرض و تخریب‌های گسترده در امان ماند. آن گونه که به تدریج و در دوره‌های بعد، به شهری بزرگ و پر رفت و آمد تبدیل شد. با این حال، مشهد دوره ایلخانی علیرغم عدم تخریب جدی در دوره هجوم چنگیزیان، بیشتر ایام خود را در آشفتگی و ناامنی‌های ناشی از قدرت‌طلبی سرداران مغولی گذراند. این روایت‌ها عموماً مبتنی بر گزارش‌های مورخانی است که بیشتر آن‌ها شاهد عینی این وقایع و گزارشگر مستقیم اتفاق‌های رخ داده نبوده‌اند؛ مثلاً این‌اثیر، مورخ مشهور و نویسنده کتاب «الکامل فی التاریخ» که در آن اشاراتی به حمله مغول به خراسان و شهر مشهد هم شده است، نوشته‌های خود را بر پایه گزارش‌های دیگران که بعضاً مستند هم نیستند، به رشته تحریر درآورده است. با این حال، ما گزارش‌هایی از برخی جهانگردان و جغرافیدانان دوره مغول داریم که تصویری هر چند محدود از حرم رضوی و شهر مشهد در اختیار ما می‌گذارد؛ تصویری که می‌توان آن را ناشی از مشاهدات آن‌ها دانست.

■ شهرچه‌ای به نام مشهد

حمدلله مستوفی قزوینی که از مورخان و جغرافیدانان این دوره است، در کتاب خود با عنوان «نزهت القلوب» به وضعیت شهر مشهد و حرم رضوی در این دوره می‌پردازد و می‌نویسد: «از مزار عظمّا، قبر امام معصوم علی بن موسی الرضا رضی الله عنهما در دیه سناباد به چهار فرسنگ طوس است و قبر هارون الرشید عباسی در مشهد مقدس آن حضرت قرار دارد. مشهد طوس از مزارات متبرکه است و آن موضع، اکنون شهرچه شده و از مشهد تا زاوه سنجان پانزده فرسنگ است». مستوفی برای توصیف مشهد از عبارت «شهرچه» استفاده می‌کند. این عبارت، خبر از آغاز توسعه شهر و البته حرم رضوی می‌دهد. می‌دانیم که در همین دوره با دستور غازان‌خان، ایلخان مغول، برای احترام به سادات، فضایی در مجاورت حرم رضوی ایجاد شد که بعدها به دارالسیاده شهرت یافت.

■ حرم و فضای اطراف آن

زکریای قزوینی، مورخ و جغرافیدان دیگر این دوره نیز در کتابش با عنوان «آثارالبلاد و اخبارالعباد» علاوه بر توصیفاتش از فضای شهر مشهد، این خطه را بسیار آباد و سرسبز وصف می‌کند و از حضور صنعتگران در اطراف مشهد، سخن به میان می‌آورد: «شهری است با باغ و باغات زیاد و روستاهای بس آباد. سنگ خاری محلی آن از فیروزه مهم‌تر است و سنگتراشان ماهر و رنگین‌پنجه که بسیاریند، دیگ سنگی و ابزار سنگی بسیار قشنگی از این سنگ‌های خارا می‌سازند». طبیعی است که رونق چنین فنونی در مشهد موجب رونق بازار کسب و تجارت می‌شد به خصوص که هر روز زائران بیشتری برای زیارت حرم رضوی به مشهد و خطه طوس رو می‌کردند. در این بین، شاید گزارش ابن‌بطوطه، قدیمی‌ترین گزارشی باشد که درباره شکل و شمایل حرم رضوی

وضعیت حرم رضوی در اواخر دوره ایلخانی چگونه بود؟

گزارش شاهدان عینی از مشهدِ ۷۰۰ سال پیش

آویزان است. آستان در قبه هم از نقره است و پرده ابریشم زردوزی از در آویخته».

■ سیمای کلی شهر

مجموعه این گزارش‌ها، دورنمایی از سیمای مشهد حدود ۷۰۰ سال پیش به دست می‌دهد؛ جمعیتی که ترکیب زائران و مجاوران به وجود می‌آورد، آن قدر بود که نظر تاجران و صنعتگران را به خود جلب کند. حضور این افراد در شهر نیازمند ایجاد مغازه، منازل مسکونی و تأسیسات زیربنایی شهری بود؛ به همین دلیل حمدلله مستوفی برای مشهد واژه «شهرچه» را پسندیده و ظاهراً ابداع کرده است. با توجه به وسعت جمعیت مشهد در این دوره و گسترش امکانات شهری، تعداد زائران نیز رو به فزونی گذاشت؛ این افزایش تعداد، نیازمند توجه به دو مقوله مهم بود؛ نخست ساخت



مستوفی برای توصیف مشهد از عبارت «شهرچه» استفاده می‌کند. این عبارت، خبر از آغاز توسعه شهر و البته حرم رضوی می‌دهد. می‌دانیم که در همین دوره با دستور غازان‌خان، ایلخان مغول، برای احترام به سادات، فضایی در مجاورت حرم رضوی ایجاد شد که بعدها به دارالسیاده شهرت یافت.

نگارخانه

در اختیار داریم؛ او که در حدود سال ۷۱۲ خورشیدی به مشهد سفر کرده است، در این باره می‌نویسد: «مشهد امام رضا قبه بزرگی دارد. قبر امام در داخل زاویه‌ای است که مدرسه و مسجدی در کنار آن وجود دارد و این عمارت‌ها همه با سبکی زیبا و ملیح ساخته شده‌اند و دیوارهای آن کاشی است. روی قبر مطهر صندوقی است که سطح آن را با صفحات نقره پوشانیده‌اند. از سقف مقبره قندیل‌های نقره

کاروانسراهای متعدد و دوم گسترش فضای اماکن متبرکه. هر چند که ما گزارشی از توسعه مشهد در این دو ساحت نداریم، اما می‌توان حدس زد که افزایش درآمدهای آستان در این دوره که طبق گفته ابن‌بطوطه، زیر نظر نقیب سادات رضوی در مشهد هزینه می‌شد، دست‌کم امکانات رفاهی را برای زائران افزایش داده و منجر به توسعه کیفی اماکن متبرکه شده است.

یاد آخرین خاطره‌گویی عمو از جنگ می‌افتم. روایت آن سرباز عراقی که توی خرمشهر اسیر شد و یک بند گریه می‌کرد. یاد آن جمله سیدعمو در گوش سرباز. نترس ... ما شیعه امیرالمؤمنین هستیم که به ابن‌ملجم هم رحم دارد. بعد پای گلوله خورده متجاوز عراقی را با چفیه‌اش بست. امکان ندارد خرداد بشود و ذهنم نرود پیش این مرد شمالی جنوبی... پیش سیدعمو، فرمانده خاکی و رئوف و بزرگ... معطوف او نشود که همیشه با خودش و با آدم‌ها در آشتی و صلح بود.

که پشت تانک می‌نشست، آرپی‌چی هم می‌زد، پشت توپ هم می‌ایستاد، جعبه مهمات هم جابه‌جا می‌کرد، زخمی هم روی دوشش می‌آورد پشت خط. از این فرمانده‌ها که منور و آتش و دود و گلوله سرش نمی‌شد و توی خلوتش می‌گفت: ها بله که خرمشهری‌ام، آبادانی‌ام، سوماری‌ام، بچه شلمچام، اروندی‌ام... پلاستیک را باز می‌کنم، سه تا ظرف غذاست به علاوه یک پاکت کاهی. توی پاکت را نگاه می‌کنم. نذری یک کتابچه زیارت عاشورا گذاشته‌اند. زیارت عاشورا را می‌آورم بیرون و

باباجان... حواست هست که ناظرند هان؟ به گمانم سیدعمو عاشق بود و هست. از آن دسته بی‌ادعا که تمام زندگی و داراییشان را می‌گذارند وسط. یادم نمی‌آید باری او را دیده باشم و مهربانی و انرژی و شور نصیم نبوده باشد. با اینکه جانباز بود و قرص‌های ردیف شده‌اش روی طاقچه شبیه قطار، با اینکه زیاد بر اثر عوارض جنگ بیهوش می‌شد و تشنج می‌کرد اما چیزی که از او به خاطر دارم یک جفت نگاه آرام و به شدت مؤمن است. از لابه‌لای خاطراتش فهمیدم فرمانده بود. فرمانده ارشد. به گمانم از این فرمانده‌ها

رقیه توسلی | توی خاطرات‌گویی، رودست نداشت. خدایامرز همیشه کلامش جاذبه داشت. مخصوصاً وقت روایت‌های جعبه و جنوب و جنگ. «سیدعمو» اهل شمال بود اما روح و جانش جای دیگری سیر می‌کرد. نفسش می‌رفت برای خاک مقدس جنوب. به قول خودش برای دیار معطر شهیدان. برای سالگرد سیدعمو، دخترش غذا آورده. عطر زعفران و گلاب می‌پیچد. مطمئنم اگر خودش بود حرف را می‌کشاند به خرداد ماه و می‌گفت: شهدا کردن قلم حق دارند